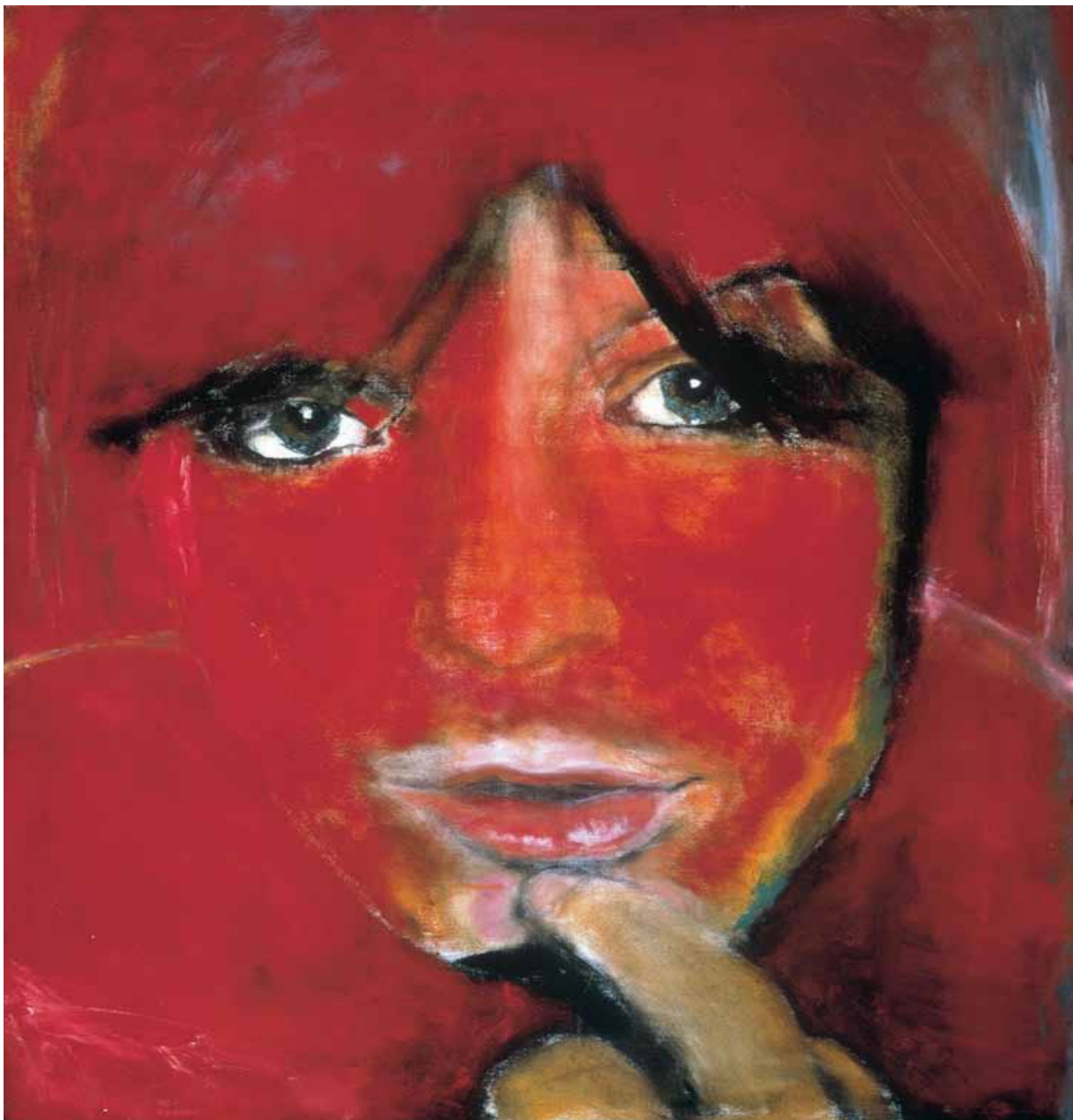


عمیان

نشریه
شماره دهم
نیمه دوم مرداد ماه
۱۳۹۰

سیمون دوبووار:
سرتاسر تاریخ زن را مرد ساخته است

Osyan.osyan@gmail.com
Osyan-zan.blogspot.com
facebook:osyanzan



بیشتر حرف می زنند و می توانند بر فضای مورد نظر مسلط شوند. در بیشتر موارد دختران برای اجتناب از به قول خودمان تابلو شدن از حضور مؤثر در چنین فضاهایی ابا دارند که در مجموع این مسئله به اعتماد به نفس اجتماعی مربوط می گردد. همگی شاهد بوده ایم که در فضاهای مختلط، از بیانات پسرها تلقی مقبولی صورت می گیرد و بیانات دخترها مورد تمسخر و تحقیر واقع می گردد. نگاه جامعه مردسالار، زنان را تحقیر می نماید و از رشد اجتماعی آنها ممانعت می کند.

در هر دو عرصه می توان رد پای تفکرات دینی را به وضوح مشاهده نمود. چه در عرصه خانواده و چه در جامعه ای دینی، دختران به واسطه تفکرات مذهبی از یک طرف به سوی کارهایی سوق داده می شوند که معمولاً مخالف رشد اجتماعی آنها عمل می کند و از سوی دیگر نگاه مذهبی جامعه همواره از اقدامات مترقی و رادیکال آنان جلوگیری می نماید. بنابراین دختران امکان کسب ابزار لازم برای نویسندگی را نخواهند داشت. به مرور این تلقی شکل می گیرد که نوشتن کاری مردانه است و تنها از مردان برمی آید.

خلق آثار ادبی، نگارش مقاله و ... بدون پیش زمینه های مطالعاتی و تمرکز ذهنی بر روی موضوعات امکان پذیر نیست. کافی است که شما دغدغه ای داشته باشید و یا اینکه بخواهید تجربیات خود را با دیگران به اشتراک قرار دهید. برای به رشته تحریر درآوردن آنها لازم است که در مورد آن موضوع، اخبار و رویدادهای جاری را مطالعه نمایید و حتی با اطرافیان خود به بحث پیرامون آن موضوع بپردازید. تمام مواردی و عللی که در بالا ذکر شد در کنار عدم تلاش خود زنان و به گوشه رفتن و کنار کشیدن آنها در این عرصه حضور آنها را کم رنگ و کم رنگ تر کرده است. با توجه به مطالب فوق، پسران به واسطه حضور حداکثری در بحث ها، ابزار مناسب برای نویسندگی را کسب می کنند. به همین ترتیب در عرصه های فکری و فرهنگی تأثیرات ویژه خواهند داشت و نظام مرد سالار تقویت خواهد شد.

نشریه عصیان تلاش می نماید تا علیه هژمونی مردان در نویسندگی اقدام کند و واقعیت های اجتماعی را از دیدگاه زنان و به قلم آنها ارائه نماید. بیاپید به گفته سیمون دوبووار برای این امپراتوری با مردان بستیزیم. این نشریه می تواند مجالی برای انتشار نوشتار زنانه برای بر ملا نمودن تحریف های نظام مند نوشتار مردانه باشد.

ریشه یابی علل کمبود نوشتار زنانه

روشنک مینو

مردان، ارزش ها و عادت ها، اخلاق و مذهب ها را آفریده اند. زنان هرگز بر سر این امپراتوری با مردان به ستیز نپرداخته اند (سیمون دوبووار - جنس دوم - ص ۲۲۱)

با وجود اینکه در چند ساله ی اخیر شاهد رشد ادبیات زنانه و حضور بیشتر زنان در عرصه ی نگارش و غیره بوده ایم اما هنوز این حضور بسیار کم است. در این مقاله می کوشیم تا دلایل این حضور اندک را بیابیم. به راستی چرا دختران علاقه ی کمی به نویسندگی دارند و در اغلب موارد نوشتن یک متن با موضوعی خاص یا نگارش یک مقاله برای آنها دشوار به نظر می آید؟ شاید اولین سؤالی که در ذهن خواننده این مقاله شکل بگیرد این باشد که مگر پسران در این زمینه فعالیت مؤثری دارند؟ درست است که نسل امروز به مسائلی غیر از مطالعه علاقه مند شده است و به همین سبب در زمینه ی

نوشتن بسیار ضعیف عمل می کند اما در میان آن تعداد معدودی از جوانان امروز که به مسائلی از این دست علاقه مند می باشند، حضور پسران پر رنگ تر بوده و ما می خواهیم دلیل این امر را بررسی نماییم.

زنان و مردان، به طور طبیعی از استعداد نویسندگی بهره برده اند؛ اما آنچه که در استفاده از این توانایی بالقوه به شکلی تبعیض آمیز عمل کرده است؛ ریشه در شرایطی دارد که افراد در آن شرایط می توانند استعداد های خود را شکوفا نمایند. شاید بتوان گفت مدرسه اولین جایی است که می توان در این زمینه تجربه کسب نمود و آموزش دید. زنگ انشا برای تمام دانش آموزان آشناست. چرا بعد از آنکه دبستان و راهنمایی سپری می شود کسی دست به قلم نمی برد؟

بررسی ها نشان می دهد دو عرصه ی اجتماعی در شکل گیری این وضعیت تأثیر بیشتری داشته اند. اولین عرصه خانواده است. هنوز هم بسیاری از والدین هستند که دختران را به منظور ازدواج تربیت می کنند به جای آنکه به پیشرفت شخصی او کمک کنند. نتیجه این است که دختر نسبت به برادرش کمتر آموزش می بیند و تخصص کمتری می یابد. دختران بیش از آنکه به دنبال کسب موفقیت و اثر گذاری در اجتماع باشند، تلاش می نمایند تا مورد خوشایند مردان قرار بگیرد. دومین عرصه، فضاهایی عمومی مثل دانشگاه ها، جلسات سخنرانی، نشست ها و ... است. در اکثر این فضاها شاهدیم که پسران



شده و مشخصاً باعث کاهش شدید سطح علمی این رشته می‌شود و کاهش سهمیه ورود بانوان به رشته‌های خاص باعث به وجود آمدن جو عدم امنیت روانی و بلا تکلیفی در مورد ادامه تحصیل دانشجویان دختر فعلی و آتی این رشته در مقاطع بالاتر می‌شود.»



سال تحصیلی جدید، سال رویارویی جمهوری اسلامی و دختران دانشجویست. اگرچه جمهوری اسلامی همواره در تلاش بوده تقسیم کار جنسیتی را در جامعه و خانواده نهادینه نماید اما حضور حداکثری دختران در دانشگاهها و رشته‌هایی که به زعم نظام مردسالار مختص مردان است، رژیم را وادار کرده تا با استفاده از طرح‌هایی از این دست معین کند که دختران در چه رشته‌هایی درس بخوانند. مشکلش در حضور حداکثری دختران را هم که با سهمیه‌های بسیار زیاد پسران در رشته‌هایی که هر دو جنس امکان حضور دارند؛ رفع کرده است. شاید سال دیگر بگوید که اصلاً نیازی نیست که دختران درس بخوانند.

این اقدامات در راستای همان بحثی است که حسن عباسی تحت عنوان توانمندسازی پسران نام برده بود. جمهوری اسلامی ابتدا با اعمال تبعیض جنسیتی در بازار کار و تداوم آن، از موفقیت زنان در رشد فردی و اجتماعی ممانعت نمود. در گام‌های بعدی به کانون رشد زنان یعنی دانشگاه حمله ور گردید. اقداماتی چون بومی‌گزینی، سهمیه بندی جنسیتی و تفکیک جنسیتی رشته‌ها و دانشگاه‌ها در راستای چنین برنامه‌ای است.

امید است که در سال تحصیلی جدید شاهد اعتراض دانشجویان به این اقدامات زن ستیز باشیم.

پذیرش تک‌جنسیتی ۴۰ رشته در ۲۰ دانشگاه

اخبار دانشگاه

روزنامه شرق :

« ۲۰ دانشگاه کشور در بیش از ۴۰ رشته تحصیلی خود برای اولین بار اقدام به پذیرش تک‌جنسیتی دانشجویان می‌کنند. دانشگاه‌های تهران، امیرکبیر، دانشگاه اصفهان، محقق اردبیلی، زابل، هنر شیراز، دانشگاه صنعت نفت تهران و سهند تبریز از جمله معتبرترین این دانشگاه‌ها هستند که در ظرفیت‌های اعلام‌شده برای انتخاب رشته کنکوری‌ها در زیر گروه‌های علوم انسانی، تجربی، هنر و ریاضی رشته‌هایی را مخصوص دختران یا مخصوص پسران معرفی کرده‌اند. این اقدام در حالی است که پیشتر بحث‌هایی در رابطه با پذیرش تک‌جنسیتی در برخی رشته‌های پرتعداد و دارای دانشجوی بسیار از سوی برخی مسؤولان در راستای سیاست‌های تفکیک جنسیتی وزارت علوم اعلام شده بود. عمده رشته‌هایی که پذیرش آنها به صورت تک‌جنسیتی اعلام شده مربوط به گروه آموزشی ریاضی فیزیک و رشته تحصیلی مهندسی معادن است که در بسیاری از دانشگاه‌های معتبر این رشته برای دختران ممنوع شده و ظرفیت مشخصی مخصوص داوطلبان پسر اعلام شده است..»

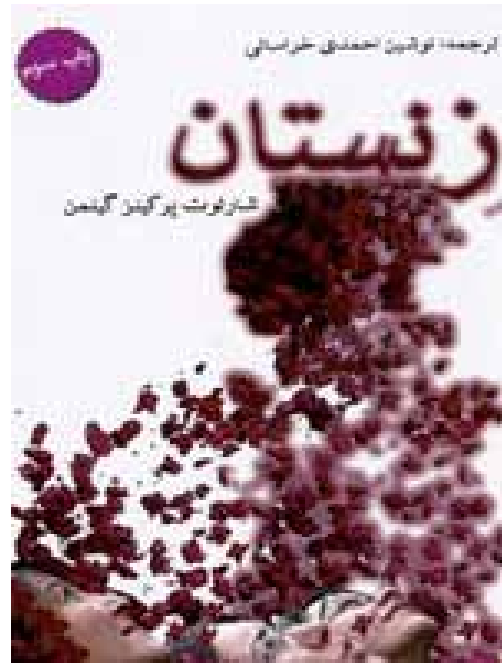
با این وجود دامنه این اقدام گریزی نیز به رشته‌های گروه آموزشی هنر داشته است و دانشگاه هنر شیراز برای اولین بار در رشته‌های صنایع دستی، کارشناسی فرش، هنر اسلامی تنها اقدام به پذیرش دانشجوی دختر می‌کند. در مقابل در رشته‌های علوم انسانی نیز علوم اجتماعی، تاریخ و ادبیات بیش از سایر رشته‌ها ظرفیت‌هایی مخصوص دختران یا پسران اعلام شده است. کاهش ظرفیت پذیرش دانشجو در دوره‌های کارشناسی در دانشگاه‌های مادر کشور طی دو سال اخیر به شکلی شده است که رقابت در کنکور تنها به کسب صدلی‌های باکیفیت در دانشگاه‌های مطرح کشور تبدیل شده است که با این حال پذیرش تک‌جنسیتی در برخی از رشته‌ها شانس داوطلبان را برای کسب صدلی‌های باکیفیت در دانشگاه‌ها به مراتب کمتر می‌کند. بر این اساس انجمن اسلامی دانشکده فنی دانشگاه تهران و جمعی از اعضای هیات علمی دانشکده‌های صنعت معدن کشور با اعتراض نسبت به این اقدام ضمن اعلام بیانیه‌ای آورده‌اند که: چنین تصمیم‌گیری‌های غیرکارشناسانه‌ای با ایجاد دید منفی کاذب نسبت به دشواری رشته مهندسی معدن باعث کاهش تمایل داوطلبان، در ورود به این رشته

شود. مردان کتاب که معتقدند زنان موجوداتی ضعیفند و از پس هیچ کاری جدی بر نمی آیند، با کشوری مواجه می شوند که در آن کارها ظاهراً به خوبی پیش می رود، از فقر و گرسنگی خبری نیست، جنگ نیست... آنان مدتی به دنبال مردان زنستان می گردند. فکر می کنند که شاید جایی همین اطراف مخفی شده باشند و از پشت صحنه دارند جامعه را هدایت می کنند. اما بالاخره قبول می کنند که زنان هم می توانند بر علم و فن آوری مسلط شوند، به مراقبت هم احتیاج ندارند (چون مردی موجود نیست که در مقابل خشونتش نیاز به محافظت داشته باشند)، حسود و بخیل هم نیستند، منطقی اند، قوی بنیه و ورزشکار هم هستند - خلاصه با جامعه ای روبرو می شوند که نقطه مقابل تمام کلیشه های جوامع مردسالار است.

ولی این فقط اول کار است. در جای جای این کتاب ۳۰۰ صفحه ای وارد جزئیات زندگی زنستان می شویم و تصویر جامعه ایده آل نویسنده برایمان روشن تر می شود. زنستانی ها هر چند که محل کشورشان به عمد از خواننده پنهان مانده، از «نژاد آریایی» هستند و پوستشان فقط بر اثر آفتاب تیره شده است. زنستان به علت جدا بودنش از سایر نقاط جهان «بافتی منسجم و به نسبت یکدست» دارد و مثل «جامعه ما» نیست که «ترکیبی از نژادهای مختلف و تبارهای گوناگون با طیف وسیعی از تفاوت های غالباً ناسازگار» داشته باشد. به زبان امروزی مرزهای زنستان به روی مهاجران و «خارجی ها» بسته است. ولی نژاد پرستی نویسنده به مخالفت با ترکیب و در هم آمیختن ملیت ها و تبارهای متفاوت (و تلویحاً برتر دانستن نژاد آریایی) ختم نمی شود. نویسنده معتقد به «اصلاح نژادی» هم هست. در زنستان، کسانی که خصائل «بد» دارند (مثلاً زیاده خواهند، حسودند و غیره) آگاهانه مقطوع النسل می شوند. یعنی «داوطلبانه» بچه دار نمی شوند که خصلت های بدشان با خودشان از بین برود. (معنی واقعی این «داوطلبانه» بودن را وقتی می فهمیم که می بینیم بچه دار شدن در زنستان بزرگترین لذت جسمی را به همراه دارد. یعنی کارکردی مانند رابطه جنسی دارد که البته در زنستان از آن خبری نیست). نویسنده از زبان زنستانی ها این استدلال غیرعلمی را تبلیغ می کند که خصائل رفتاری و آموخته ها به شکلی ژنتیکی قابل انتقال به نسل های بعدی اند. بگذاریم از این که «بد دانستن» این یا آن خصلت در واقع به معنی ارزش گذاری است و به نظام ارزشی هر جامعه مربوط می شود. معلوم نیست در جامعه ای که پول و قدرت در آن نقشی ندارد، «بد» چگونه ارزش گذاری می شود و اصولاً علت وجودی دارد یا نه. در تفکر نویسنده زنستان این کل جامعه بشری و نوع بشر نیست که دوران های مختلف تکامل و پیشرفت را پشت سر می گذارد و جلو می رود بلکه این بخشی از انسان ها هستند که نسبت به برخی دیگر «تکامل یافته تر» اند (و آمریکا را نسبت به سایر

پرواز خیال به کوتاهی سقف آشپزخانه

سهیلا سرافراز



مروری بر داستان «زنستان»

کتاب زنستان، به قلم شارلوت پرکینز گیلمن و ترجمه نوشین احمدی خراسانی دو سال پس از ورودش به بازار به چاپ سوم رسید. مسلماً اسم کتاب، انسان را در "مردستان" جمهوری اسلامی به خرید آن وسوسه می کند. احتمالاً نام مترجم هم در فروش به نسبت بالای کتاب، بی تاثیر نبوده است.

زنستان داستان سه مرد جوان آمریکایی است که در یکی از سفرهایشان از افراد بومی توصیف کشوری را می شنوند که همه ساکنانش زن هستند و هر مردی به آن جا رفته زنده برنگشته است. این سه مرد تحریک می شوند که در مورد صحت یا سقم شایعه تحقیق کنند و شاید کشفی هم به نام خود ثبت کنند. پس بار و بندیل شان را می بندند، راهی سفر می شوند... و بالاخره به منطقه دورافتاده و خارج از دسترسی می رسند که بله، ساکنانش همه زن هستند. زنان این جامعه دو هزار سال است که بکرزا هستند و دخترزا.

راوی داستان یکی از آن سه مرد است. از چشم او جهان واقعی با زنستان مقایسه می شود و برخی پیش داوری های مردانه (که سه همسفر هر یک به درجه ای به آن آلوده اند) به چالش کشیده می

شده است. زن خانه داری که از لکه متنفر است، می خواهد همه چیز را تمیز کند، ولی در نهایت از پس لکه اصلی زندگی اش بر نمی آید. دنیای تخیلی شارلوت پرکینز بسیاری از لکه های دنیای کهن را بر خود دارد، فقط آن ها را استرلیزه کرده است.

شاید کتاب در زمانی که نوشته شد (۱۹۱۵) از برخی جهات مترقی و چالش برانگیز بود - هر چند که تفکرات نژادی پرکینز در آن دوران هم که "سافرجت" ها (جنبش زنان در اوایل قرن بیستم که برای کسب حق رای زنان مبارزه می کرد) در قبال مبارزه علیه برده داری نظرات و ایستارهای متفاوتی داشتند، مورد قبول همه نبود. ولی ارائه ترجمه فارسی این کتاب نزدیک به یک قرن بعد از اولین انتشار آن نشان از بینشی عقب گرا دارد. بینشی که به طرق مختلف می کوشد جنبش زنان ایران را در چارچوب تنگ مبارزات صد سال پیش (چه به شکل مقایسه با مبارزات سافرجت ها و تبلیغ آن جنبش، چه با بلند کردن خواسته های زنان در انقلاب مشروطه) محصور کند. درست است که تحت جمهوری اسلامی ما به برخی حقوق حداقل انسانی (از جمله حق پوشش) دسترسی نداریم، ولی خواسته های ما و تضاد ما به عنوان زن با جمهوری اسلامی منتج از خواسته های زنان در دوران مشروطیت نیست. ما آرزوهایمان بر رشد تا به امروز جامعه بشری استوار است و بر دورنمای دنیایی متفاوت و بدون هر شکل از ستم و استثمار. دنیایی که می توان آن را آگاهانه ساخت. آرزوهایمان با دستاوردهای مبارزات تا کنونی زنان (و بشریت به طور کل) رنگ گرفته. اگر روزی می شد مادری را مقدس شمرد و داعیه رهایی زنان را داشت، دیگر امروز نمی شود. اگر روزی می شد به مبارزه سپاهان علیه برده داری پشت کرد و حق رای به دست آورد، امروز می دانیم که رهایی زنان بدون مبارزه برای از بین بردن ریشه ای نظامی که مردم جهان را در تور تنیده ای از ستم و استثمار اسیر کرده است، ممکن نیست. "ایده آل" های کم خواهانه ای که به هر طریق آرزوهای رهایی را مردود می شمردند و کنار می زنند، راه برون رفت از این مردستان را به دست نمی دهند.

خوانندگان عصیان:

لطفا مطالب، گزارشات، عکس، شعرو تجربیات خود را در زمینه های گوناگون مسائل زنان به آدرس ای میل عصیان ارسال کنید.

عصیان، همانگونه که تاکنون نیز عمل کرده، تصمیم دارد در زمینه های مذهب، زنان مبارز دنیا، موسیقی، گزارشات گوناگون از اشکال مختلف ستم بر زنان در جامعه و همینطور مباحث تئوریک و بسیاری موضوعات دیگر مطلب تهیه نماید. لطفا در این موارد عصیان را که نشریه ای متعلق به تمام دختران است همراهی کنید

کشورها برتر می داند). البته از کتابی تخیلی که می خواهد با تصویر کردن یک دنیای ایده آل زنانه پیش داوری های مردانه را به چالش بکشد و از این طریق کمکی به تغییر بکند، نباید ایراد علمی گرفت. در قلمرو تخیل، نه به بکرزا بودن زنستانی ها ایرادی وارد است و نه به دخترزا بودنشان. ولی «تکامل یافته تر» و نتیجتا برتر دانستن برخی از ملیت ها (یا نژادها) نسبت به برخی دیگر، به عرصه تخیل مربوط و محدود نمی شود. این تفکری است که هیچ گونه اساس علمی ندارد. بارها و بارها بی پایه بودنش نشان داده شده ولی به کرات کشتار میلیون ها انسان به دست استعمارگران سفید را در آفریقا و (قاره) آمریکا توجیه کرده است. از بین بردن معلولین جسمی و ذهنی، همجنسگرایان و یهودیان در آلمان نازی نیز با همین مزخرفات غیر علمی توجیه می شد. حتی هنوز که هنوز است از همین نوع تئوری های «شبه علمی» و بیو - دترمینیستی برای حصر ایدئولوژیک زنان و سایر فرودستان استفاده می شود. مثلا ادعا می کنند که «ضعف» زنان در نتیجه قرن ها فرودست بودن ژنتیک شده است (و دیگر کار از کار گذشته است). یا می گویند که آموخته ها موروثی اند و انسان های اروپایی نه در امتیاز که با امتیاز به دنیا می آیند و...

این ها را هم باید گفت که دنیای تخیل خانم پرکینز خیلی از آشپزخانه اش فراتر نمی رود. می خوانیم که زنستان تمیز است، «به تمیزی یک آشپزخانه آلمانی». حتی جنگل ها هم مرتب و درختهایشان هرس شده اند. درختان بی مصرف (که بار خوراکی نمی دهند) از بین رفته اند، حیوانات هم اغلب به دلیل کمبود جا از بین رفته اند. همه چیز تمیز است. همه چیز «مناسب»، «بی کم و کاست»، «بی دردسر» و «جالب» است، همه سرشار از «فضیلت» اند و «صبر و تحمل»....

زنستان انسان را به یاد فیلم های علمی - تخیلی دهشتناکی نظیر تعادل (Equilibrium) می اندازد که در آن همه هیجانان انسانی، همه تفاوت ها، و هنر مضر شناخته شده و به طرق مختلف سرکوب می شود. در زنستان مذهب از بین نرفته بلکه مادر محورانه شده است و خدای خشن دنیای مردان با خدایی مهربان جایگزین شده است. در زنستان از سکس هم خبری نیست و انگار لذت بردن از بدن چیزی است متعلق به مردان و یا صرفا وابسته به آنان. نوعی لذت که شاید شبیه لذت جنسی باشد ۵ بار در زندگی هر زن واقع می شود که به حاملگی می انجامد. بچه دار شدن و بزرگ کردن بچه ها هم والا ترین هدف زنستانی هاست. (البته در زنستان زائیدن و بزرگ کردن رابطه مستقیم ندارند و کل جامعه بچه ها را بزرگ می کند. حذف نهادی به نام خانواده از نقاط قوت کتاب است.) زنستان انگار توسط شخصیت داستان «لکه» اثر زویا پیرزاد نگاشته

آیا رپ فارسی ضد زن است؟

بخش دوم

روشنک مینو



در بخش قبل تاریخچه ی کوتاهی از موسیقی رپ و زمینه شکل گیری این نوع موسیقی را ارائه نمودیم. همچنین ویژگی های رپ فارسی که در سالیان اخیر متداول شده است را بیان نمودیم و به نقد محتوای شعر برخی از رپر های شناخته شده پرداختیم. در بخش اخیر نیز در ادامه ی بخش قبلی می خواهیم جنبه های زن ستیز محتوای رپ فارسی را نشان دهیم.

یکی از مسائلی که نه تنها در شعر رپ بلکه در فیلم ها، عکس ها و در مجموع نگاه مردانه وجود دارد؛ زن به عنوان یک شیء جنسی است. بدین معنی که تنها بدن زن مورد توجه قرار می گیرد. بنابراین دختر بچه از کودکی زیر نگاه جنسی مردان قرار می گیرد و همیشه مورد هجوم برخوردارهای مردانه ، از قبیل نگاه سوء استفاده گر مردان و متلک ها می باشد. به تدریج تن به فرهنگ عمومی می دهد و خود را آنطوری می آراید که مورد پسند مردان است. احتمالاً همه موافقید که شلوار از دامنی تنگ و کوتاه راحت تر است. یا اینکه کفش پاشنه بلند خیلی راحت نیست و اینکه چقدر زمان استفاده می شود تا مو و صورت خود را آرایش کنیم. این موارد مبدل به عرفی اجتماعی گردیده تا مردان از بدن زن بیش تر لذت ببرند.

نمونه هایی از شعر رپ فارسی که می تواند مؤید این امر باشد عبارت است از :

۱ - ترانه " اینو بدون " - ابی black

جون ، کفش پاشنه دار پاشه

پشتش به من و با پشت کاری فوق العاده

اون ، ماتیک ، رژ ، سایه

بشر، عجب ، قدم ، رقم میزنه ، می سازه تصویراتی خارق العاده

گوشت سکسی ، بدن کرسی ، خیلی ماله

یا اینکه در محتوای برخی ترانه ها، به تعریف از زنان می پردازند، این نمونه تعریف ها بیش از اینکه با نگاهی مثبت و حقیقی نسبت به جنس زن باشد بیشتر از آن رو از جانب مردان صورت می گیرد که بیشتر جنبه پز دادن در مقابل مردان دیگر است. مردها اکثر اوقات به همان ترتیب که به واسطه دارایی هایی مثل ماشین و ... به هم جنسان خود پز می دهند گاهی اوقات زیبایی های زنان وابسته به خود را به رخ می کشند.

۲ - ترانه " دیدی منو داری " - رضا اسطوره ، هادی درویشی ، محسن اچ بی

از امارات متحده عربی سریع زنگ زدن ، آره به بنده
می گن بگو ببینیم خانم شما چقدر به زندگی پابنده

خانم من خیلی پابنده

هر جا می ره با بنده

نمی ره بی بنده جایی

هر روز می یاره اون قهوه چایی

شخصیتش بیسته

برنامه غذایش لیسته

ماشینش آره رونیزه

لوازم آرایشاش رو میزه

وای ریزه ریزه ریزه

خانمی عشوه ریزه

.....



در مجموع تمامی این دیدگاهها از نظام مردسالاری برمی خیزد که همواره می خواهد منافع مردان را تأمین نماید و شاید آلترناتیو هایی مثل حجاب که خیلی قبل از اسلام در جوامع مردسالار بدوی شکل گرفت، نتیجه این نوع نگرش های نظام مرد سالار باشد. اما راه حل نهایی چنین شرایطی محدود کردن چند باره زنان در حصار حجاب نیست. بلکه با تغییر بنیاد های نظام مرد سالار می توان این شرایط و این نوع نگاه به زنان را تغییر داد .

آب و آتش

فارس نیوز: مدیر عامل اراضی عباس آباد در واکنش به بروز بی‌اخلاقی و اعمال منافعی عفت در بوستان آب و آتش گفت که نیروی انتظامی هم نمی‌توانست افراد هنجارشکن را متفرق کند.

بهنام اتابکی در گفت‌وگو با فارس با بیان اینکه روز گذشته عده‌ای در یک هماهنگی قبلی در پارک آب و آتش حضور یافته و تصمیم گرفته بودند روی یکدیگر آب بپاشند، گفت: افرادی که اقدام به آب بازی کرده بودند، اصولاً بدحجاب بودند. البته تعدادی افراد با حجاب نیز در پارک حضور داشتند.

به گفته اتابکی نیروی انتظامی نیز نمی‌توانست آنها را متفرق کند و از حدود ساعت ۹ تا ۱۲ این افراد اقدام به آب‌بازی کردند و با قطع آب آنها را متفرق کردیم.

پلیس: دختر و پسرهایی که در یکی از بوستان‌های تهران اعمال خلاف شئون کردند دستگیر شدند.

ایسنا نوشت: رییس پلیس پایتخت از برخورد قاطعانه با افرادی که با انجام اعمال غیرمعارف و خلاف شئونات اسلامی، نظم جامعه را برهم زده بودند خبر داد.

سردار حسین ساجدی‌نیا عصر یکشنبه در این خصوص در گفت‌وگو با ایسنا متأسفانه در ادامه وقایع بوستان آب و آتش شهر تهران، روز یکشنبه تعدادی

از پسران و دختران جوان در یکی دیگر از بوستان‌های پایتخت اقدام به انجام اعمال خلاف شئون اسلامی کردند که مأموران پلیس پس از اطلاع از این امر، سریعاً در محل حاضر و تمامی این متخلفان و هنجارشکنان را دستگیر و تحویل مراجع قضایی کردند.

البرز نیوز: تصاویر این مراسم رو مقایسه کرد با تصاویر تفریح عده‌ای از جوانان مسلمان در ونکوور کانادا و ضمن دلنشین توصیف کردن تماشای این تصاویر نوشت: جوانان ایرانی در بوستان آب و آتش عرف و قوانین اسلامی را زیر پا گذاشته‌اند و این در حالیست که در اسلام اختلاط زن و مرد نامحرم حرام است.

«از آب بازی تفریحی امروز مان هم می‌ترسند چه برسد از آتش بازی فردای مان!»

گروهی از دختران و پسران جوان در فیس بوک قرار تجمع در بوستان آب و آتش برای آب بازی با تفنگ‌های آب پاش

را گذاشتند و در صبح روز جمعه ۷ مرداد جمعیت قابل ملاحظه‌ای در این بوستان گردهم آمدند.

چرا همه حکومتی‌ها در برابر یک تفریح ساده‌ی جوانان عکس‌العمل نشان دادند و چرا در این جامعه شادی و سرخوشی جوانانه ممنوع است؟ منطق اتوریته‌های دینی در طی تاریخ این بوده که هر جا شادی و خنده باشد در آنجا "شیطان" حضور دارد و هر جا "شیطان" باشد یعنی "خدا" آنجا نیست. اما نبود "خدا" چه مشکلی دارد؟ مشکل اینست که وقتی "خدا" نباشد دیگر ایمان به نظم ظاهراً جاودانه و ساخته و پرداخته شده توسط اینان جایی برای حضور نخواهد

داشت و دین و حکومت دینی زیر سوال خواهد رفت. وقتی حکومتی‌ها یکصدا از "هنجار شکنی" توسط عده‌ای جوان حرف می‌زنند منظورشان شکستن هنجارها و ارزش‌های دینی است که توسط آنها ما را به بند کشیده‌اند و ما به این تن نمی‌دهیم و به هر شکلی این را در هم می‌شکنیم. از آب بازی گرفته تا آتش بازی آگاهانه، از "بدحجابی" تا مبارزه برای لفو حجاب اجباری و.....

سایت‌های اصول‌گرا نوشتند: روز جمعه عده‌ای از جوانان با حضور در بوستان آب و آتش در قالب آب بازی به اقداماتی دست زدند که منافعی عفت بود.



© TEHRANLIVE.ORG